

Research paper
1(1), 91-111, Fall and Winter, 2023
DOI: 10.22034/JLS.2023.60793

(In)definite Articles, Object Markers and Plural Morphemes in Lori Bala Geriveh

Sayed Hamzeh Mousavi¹

Article Info

Article type:
Research article

Article history:
Received: 22 November 2022
Accepted: 20 January 2023

Keywords:
Lori Bala Geriveh,
articles,
definiteness,
object Marker

ABSTRACT

The present paper aims at describing the three morphological features in Bala Geriveh: Articles, Plurality and Object Marking. This research followed a descriptive-analytic approach towards the three categories. In order to collect data, we have interviewed a group of Lor speakers. Plural morphemes in Lori are -ya and -u and they seem to be similar to -ha and -an in Persian. The allomorphs -en and -n in Lori Bala Geriveh are considered as object markers and have their specific features such as their concatenation with possessive adjectives in plural form and not in singular form. Indefinite article in Lori is -r and ʒ: in adjectival forms; while, definite article is -ke and in adjectival forms. The morpheme -ke is an indication of a background knowledge concerning past; while -e shows a case, which is observable or recognizable at the moment of speaking. (In)definiteness in Lori is completely different from Persian.

Cite this article: Musavi, S. H. (2023). "(In)definite Articles, Object Markers and Plural Morphemes in Lori Bala Geriveh". *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 1 (1), 91-111.



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: 10.22034/JLS.2023.60793

1. Assistant professor of Linguistics, Shahrood Industrial University, Shahrood, Iran.
E-mail: mousavi.hamzeh@shahroodut.ac.ir

حرف تعریف، نشانه مفعولی و تکواژ جمع در گویش لری بالاگریوه

سید حمزه موسوی^۱

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	پژوهش حاضر به توصیف سه ویژگی صرفی حرف تعریف، تکواژ جمع و نشانه مفعولی در گویش لری بالاگریوه اختصاص دارد. این پژوهش رویکردی توصیفی-تحلیلی به سه مقوله مذکور دارد و برای گردآوری داده‌ها با گویشوران لر زبان مصاحبه‌هایی انجام گرفته است. تکواژهای جمع در این گویش به صورت /jɑ- / و /ɔ/ بوده و شباهت‌هایی با تکواژهای -ها و -ان در فارسی وجود دارد. تکواژ /en- / یا /n- / در لری بالاگریوه نشانه مفعول است و ویژگی‌های خاصی را در ترکیب نشان می‌دهد که از آن جمله می‌توان به ترکیب آن با صفات ملکی در حالت جمع و نه مفرد اشاره کرد. نکره در لری بالاگریوه با /i/ و در حالت صفتی با 3 بیان می‌شود در حالی که معرفه با /ke- / به کار رفته و در حالت صفتی به همراه e- به کار می‌رود. تکواژ معرفه /ke/ بیشتر بیانگر دانش مشترکی است که گویشوران از قبل به اشتراک گذاشته‌اند، در حالی که معرفگی با /e/ به اسمی باز می‌گردد که هم اکنون قابل مشاهده است و یا هم اینک با آن آشنا شده‌اند. ساخت معرفه و نکره در لری بالاگریوه کاملاً از صورت‌های فارسی متمایز است.
تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۹/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰	
واژه‌های کلیدی: لری بالاگریوه، حرف تعریف، معرفگی، نشانه مفعولی	

استناد: موسوی، سید حمزه (۱۴۰۱). «حرف تعریف، نشانه مفعولی و تکواژ جمع در گویش لری بالاگریوه». پژوهش‌های زبان‌شناسی: نظریه و کاربرد، ۱(۱)، ۹۱-۱۱۱.



حق مؤلف: نویسندگان

ناشر: دانشگاه کردستان

DOI: 10.22034/JLS.2023.60793

۱. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران (نویسنده مسؤل)

mousavi.hamzeh@shahroodut.ac.ir

۱. مقدمه

لری زبان گروهی از مردمان ایران زمین است که در حدود ۴۰ درصد از خاک ایران سکنی گزیده‌اند (امان الهی بهاروند، ۱۳۹۳). این مردمان در استان‌های لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، ایلام، همدان، کرمانشاه، اصفهان، مرکزی، فارس و هرمزگان زندگی میکنند (ابراهیمی و عبدی، ۱۳۹۱). لری در استان لرستان دارای دو گونه عمده است: لری خرم‌آبادی (ابراهیمی و عبدی، ۱۳۹۱) و لری بالاگریوه (سلیمانی و حقیبن، ۱۳۹۵). در این پژوهش به بررسی حرف تعریف معین و نامعین، نشانه مفعول و تکواژ جمع در گویش لری بالاگریوه می‌پردازیم. پرسش‌هایی که در این پژوهش مطرح می‌شوند عبارتند از: الف) حروف تعریف در گویش لری بالاگریوه دارای چه علائمی هستند و چگونه به کار می‌روند؟ ب) آیا نشانه مفعول همانند فارسی نقش‌های متعدد دارد؟ پ) تکواژ جمع چگونه در کنار حروف تعریف و نشانه مفعولی به کار می‌رود؟ هر چند در سال‌های اخیر توجه زبان‌شناسان به اهمیت گویش‌ها جلب شده ولی همچنان بر روی گویش لری بالاگریوه همانند بسیاری از گویش‌های دیگر پژوهش زبان‌شناختی چندانی انجام نشده است. از جمله کارهایی که در این حوزه انجام گرفته می‌توان به نجفوند (۱۳۹۲) اشاره کرد که در آن افعال را توصیف کرده است. همچنین، سلیمانی (۱۳۹۱)، کامبوزیا و همکاران (۱۳۹۲) به فرآیندهای واجی بر پایه بهینگی پرداخته‌اند. و در نهایت، سلیمانی و حقیبن (۱۳۹۵) به زمان دستوری و نمود در این گویش نگاهی داشته‌اند.

شایان ذکر است که در بخش دوم از این مقاله به صورت مختصر توضیحاتی در مورد نشانه مفعولی، تکواژ جمع و حرف تعریف ارائه شده است. در بخش سوم روش تحقیق و شیوه گردآوری داده‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در بخش چهارم به توصیف مقولات مذکور در گویش لری بالاگریوه پرداخته و در برخی موارد آن‌ها را با زبان فارسی مقایسه کرده‌ایم، و در نهایت بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱ نشانه مفعولی

نشانه مفعولی همان‌طور که از نامش پیداست برای مشخص نمودن مفعول مستقیم به کار می‌رود و در زبان‌هایی همچون فارسی و ژاپنی مشاهده شده است. نشانه مفعولی به دو شکل به کار می‌رود: الف) نشان‌داری هسته و ب) نشان‌داری وابسته. تالرمین (2011) نشان‌داری مفعولی متصل به هسته را نشان داده که در آن نشانه مفعولی به هسته فعلی متصل می‌شود.

muruo ri' na -yao nas-key amas (1) I
 سبز سبزی معرفه س ش م-نشانه مفعولی خریدن س ش م^۱ پدر معرفه
 پدر سبزیجات سبز را به فروش می‌رساند (زبان کامبرا).

همان‌طور که مشاهده می‌شود در زبان کامبرا، عبارت /I ama/ با تکواژ صرفی /na/ هماهنگ است و عبارت na ri' muru که مفعول جمله است با ya که تکواژ مفعولی سوم شخص مفرد است هماهنگی دارد. دسته دیگر از زبان‌ها همچون فارسی و ژاپنی مفعول را با اتصال نشانه به عناصر وابسته نشان می‌دهند. این نقش را در زبان ژاپنی تکواژ o- و در زبان فارسی /ra/ بازی میکند. فوجی و اونو (2000) نشان داده‌اند که در زبان ژاپنی /ga/ نشانه فاعلی و o نشانه مفعولی است

1. yofji: -ga hakaserunbun o kaita.
 نشانه فاعل - یوشی پایان نامه نشانه مفعولی نوشت

یوشی پایان‌نامه را نوشت.

در زبان فارسی نیز زبان‌شناسانی همچون دبیرمقدم (۱۳۶۹) به مقوله «را» پرداخته و علاوه بر نقش نشاننداری مفعولی نقش‌های دیگری نیز برای آن ذکر کرده است. حسینی فاطمی (2014) به طبقه‌بندی انواع معانی «را» پرداخته است. وی این دسته‌ها را به شکل زیر معرفی کرده است:

(الف) «را» در معنای نشانه معرفه

(ب) «را» در نقش تخصیص‌گر

(پ) «را» به عنوان نشانه پیشفرض (حسینی فاطمی، 2014).

کمری (۱۹۸۹) معتقد است که «را» در زبان فارسی نشانه مفعول معرفه است و صورت‌های نکره بدون علامت «را» به کار می‌روند و مثال (۳) را برای گفته خود مطرح کرده است.

۳. الف. کتاب را دیدم.

ب. کتابی دیدم.

اما به نظر می‌رسد این سخن چندان درست نباشد چنانچه موارد بسیاری وجود دارند که در آن‌ها تکواژ «را» به همراه عنصر نکره به کار رفته است.

۴. الف. بالاخره کتابی را کامل خواندم.

ب. بالاخره کتابی کامل خواندم.

مثال (۴) کامل خوش ساخت است و «کتاب» هم نکره است و هم به همراه نشانهٔ مفعولی «را» به کار رفته است. در این حالت و زمانی واژهٔ «کامل» در جمله باشد نه تنها حذف «را» عادی نیست، بلکه باعث غیر-دستوری شدن جمله نیز می‌شود.

۲-۲ تکواژ جمع

تکواژ جمع در بسیاری از زبان‌ها به صورت پسوند ظاهر می‌شود و معمولاً برای صورت مفرد نشانه‌ای ظاهر نمی‌شود. برای نمونه در زبان انگلیسی /-s/ و در زبان فارسی پسوند /-ها/ تکواژهای جمع هستند و صورت-های مفرد نشانه‌ای ندارند. اگر برای صورت «جمع» بیش از یک پسوند به کار رود، آنگاه موارد را می‌توان تکواژگونهٔ تکواژ جمع در نظر گرفت (Haspelmath, 2000). در زبان انگلیسی تکواژ جمع به شکل /s/، /z/، /Iz/ تلفظ می‌شود که در حقیقت تکواژگونه‌های تکواژ جمع در زبان انگلیسی هستند. درزی و معظمی (۱۳۸۵) نوشته‌اند که در زبان فارسی نیز جمع به صورت «-ها و -ان» وجود دارد. وی، همچنین، بیان کرده است که پسوند «-ها» کاربرد بیشتری دارد و مورد دوم بیشتر به زبان نوشتاری اختصاص دارد. او از لازار (1992) انتقاد کرده و برخلاف گفتهٔ لازار معتقد است که «-ان» فقط مربوط به جانداران نیست و گه‌گاه همراه اسم‌های مربوط به غیرجانداران هم به کار می‌رود و برای اثبات گفتهٔ خود «درختان» را شاهد آورده‌اند.

۲-۳ حرف تعریف

در دستورهای سنتی دو نوع حرف تعریف را مشخص کرده‌اند: معرفه و نکره. حرف تعریف معرفه را معادل چیزی در نظر گرفته‌اند که آشناست و نکره مرجع جدیدی را معرفی می‌کند. امروزه حرف تعریف را بخشی از طبقهٔ بزرگتری از واژگان نقشی به نام تخصیص‌گر^۲ قرار داده‌اند (Smith, 1964; Heim, 1983; Tallerman, 2011) از دسته‌ای از تخصیص‌گرها در زبان انگلیسی نام برده که در جدول (۱) به آن‌ها اشاره می‌شود و سعی شده برای فارسی نیز مثال‌هایی ارائه شود.

^۱ به نظر می‌رسد که درختان هم جاندار باشند.

^۲determiner

جدول ۱. تخصیص گرها در زبان انگلیسی و فارسی

تخصیص گر	زبان فارسی	زبان انگلیسی
حرف تعریف	کتابی، کتاب، کتاب	The papers, a problem, an egg
اسامی اشاره	این مداد، آن مداد	This paper, these papers, that egg, those eggs
تخصیص گرهای پرسشی	کدام رنگ، چه مدادی	
کمیت نماها	مقداری آب، همه آنها، هیچ وقت و...	Some milk/eggs, each paper, every boy, all cases, no time, most eggs, much time, any eggs
تخصیص گرهای ملکی	بچه من، کتابم، بچه اش، کودکش	My child, her/his child, our child,
ضمایر	ما ایرانیان، شما جوانان	We/us linguists, you boys

تالرمن (2011) قرار دادن حرف تعریف در طبقه تخصیص گر را به این علت دانسته که در زبان انگلیسی فقط یکی از این موارد را می توان قبل از اسم قرار داد. به این ترتیب در زبان انگلیسی نمی توان *this my child* را ساخت. لاینز (2003) با تأکید بر اینکه در زبان انگلیسی تنها *a* و *the* برای بیان معرفه و نکره بودن به کار نمی روند و این ویژگی ممکن است با ویژگی های صرفی و دستوری دیگری نیز بیان شوند، حروف تعریف را معرفه ساده و نکره ساده نامیده است. وی، همچنین، از دو نوع حرف تعریف معرفه و نکره در زبان های دنیا نام برده است: حرف تعریف واژگانی (*a* و *the* در زبان انگلیسی) و حرف تعریف وندی (ال- و -ن در زبان عربی). با این وجود، تالرمن (2011) نشان داده که در برخی از زبانها همچون سوئدی، نروژی و دانمارکی معرفگی را هم به صورت صرفی و هم واژگانی نشان می دهند (مثال ۵ برگرفته از زبان سوئدی).

(5) A. Mus -en

معرفه - موش

B. den hungrigamus -en

معرفه - موش گرسنه معرفه

در باب معنای *the* در عبارت *the car* دستورنویسان نوشته اند که این حرف تعریف به ماشینی خاص اشاره می کند و نه هر ماشینی. لاینز (2003) این مورد را رد کرده و می نویسد که در جمله *I bought a car this morning* ماشین در ذهن گوینده مشخص است و به هر ماشینی اشاره نمی کند با این وجود نکره است.

تایلر (2003) از سوی دیگر حروف تعریف را به دو دسته معرفه و نکره تقسیم کرده و معتقد است که نکره خود به دو دسته تقسیم میشود: نکره مشخص و نکره نامشخص. وی معرفه را تعریف کرده و مینویسد که گوینده به موردی خاص توجه کرده و فرض را بر این قرار می‌دهد که شنونده به طور واحد قادر است آن را تشخیص دهد. در حالی که در نکره‌ها از شنونده انتظار نمی‌رود که موردی خاص را تشخیص دهد. در نکره مشخص، گوینده موردی خاص را در ذهن دارد؛ در حالی که، در نکره نامشخص مورد مطرح شده دلبخواهی است.

تالرمین (2011) نشان داده که برخی از زبان‌ها ممکن است هر دو یا یکی از حروف تعریف را نداشته باشند و برای نشان‌دادن آن از ویژگی‌های دیگری بهره ببرند. این مورد را می‌توان در مثال‌های (۶) از زبان چینی ملاحظه کرد.

(6) A. ta mi pingguo le

نمود سبب خرید او

او سیبی خرید.

B. ta pingguo mai le

نمود خرید سبب او

او سبب را خرید.

در این حالت مثال‌های (۶) معرفه هستند و از طریق جابجایی فعل و مفعول حاصل شده است. برخی زبان‌شناسان به معرفه و نکره در زبان فارسی پرداخته‌اند. برخی از زبان‌شناسان همچون انوری و گیوی (۱۳۹۵) معتقدند که زبان فارسی فقط برای نکره نشانه دارد و معرفه را همچون زبان چینی با ابزار صرفی و دستوری دیگری نشان می‌دهد. برخی دیگر نیز معتقدند که زبان فارسی برای نکره از «یک و سی» استفاده می‌کند و برای معرفه از واحد واج-واژی /a/ و /e/ در پایان اسم مفرد بهره می‌برد (Mahootian and Gebhardt, 1977) (عبدالمالکی، ۱۳۸۵؛ قطره، ۱۳۸۶؛ راسخ مهند، ۱۳۸۸).

۳. روش‌شناسی پژوهش

گویش بالاگریوه پیش از آنکه به منطقه خاصی تعلق داشته باشد، زبان اقوام و طوایفی در غرب کشور است که در جنوب لرستان، شمال خوزستان و شرق ایلام سکونت دارند. لری بالاگریوه دارای گونه‌های متعددی است که از نظر آوایی و واژگانی با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت، در دستور کمتر دیده می‌شود. از این‌رو، داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه با گویشورانی که در شهر خرم‌آباد و روستاهای اطراف آن، روستاهای دارایی و دیناروند، ساکن هستند به‌دست آمده است و داده‌های پژوهشی به منظور توصیف و تحلیل تکواژ جمع، نشانه مفعولی و تکواژ معرفه و نکره گردآوری شده‌اند.

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش از مقاله به توصیف مقوله حرف تعریف، نشانه مفعول و تکواژ جمع در گویش لری بالاگریوه می‌پردازیم. برای این کار ابتدا با تکواژ جمع شروع می‌کنیم.

۴-۱ تکواژ جمع

تکواژ جمع در گویش لری بالاگریوه همانند زبان فارسی و بسیاری از گویش‌های دیگر با پسوند نشان داده می‌شود. پسوند غالب در این گویش ja- است که تقریباً با همه اسم‌ها جمع بسته می‌شود.

(7) A. qelam- ja

مدادها

B. dafter- ja

دفترها

C. asare-ya

ستاره‌ها

D. piya- ya

مردها

علاوه بر تکواژ /-ja/ گاهی از تکواژ /-U/ نیز برای نشان‌دادن جمع استفاده می‌شود. این تکواژ فقط به همراه اسامی جاندار به کار می‌رود.

(8) A. dōxter-ū

دخترها

B. kor-ū

پسرها

C. zen-ū

زن‌ها

D. xwar- ū

خواهران

E. gap- ū

بزرگان

F. *piya- ū

مردها

جالب است که از منظر واجی هر جا در فارسی رسمی an وجود دارد در گویش لری به ū تبدیل شده

و صدای /n/ تنها در حالت ترکیبی ظاهر می‌شود. برای مثال، nan در فارسی رسمی در لری به صورت nʊ تکامل پیدا کرده است، اما در بافتی که عنصر جمع به آن افزوده می‌شود به صورت nun-ja درمی‌آید. این حالت در مورد تکواژ جمع /ʊ/ نیز رخ می‌دهد و در جایی که به صورت ترکیبی به کار رفته صدای /n/ نیز ظاهر می‌شود.

(9) A. kor- ʊn-ef

پسرهایش

B. dʊxtər-ʊn-em

دخترانم

C. berar- ʊn-ʃʊ

برادرانشان

در مورد تکواژ جمع /ja/ (مثال‌های ۷) باید بیفرائیم که این تکواژ در کنار پسوندهای ملکی بدون تغییر باقی می‌ماند و این نشان می‌دهد که n در مثال‌های (۹) واج میانجی نیست و بخشی از تکواژ است که فقط در حالت ترکیبی ظاهر می‌شود.

(10) A. qelam- ja-ʃ

قلمهایش

B. dafter- ja- ʃʊ

دفترهایشان

C. ketaw- ja- m

کتابهایم

همان‌طور که از داده‌ها مشخص شد تکواژ جمع در لری بالاگريوه یا به صورت /ja/ است و یا به صورت /ʊ/ و در ترکیب به شکل /ʊn/ به کار می‌رود.

۴-۲ نشانهٔ مفعولی

در گویش لری بالاگريوه نشانهٔ مفعولی در بسیاری از موارد به صورت /-en/ و گاهی هم به صورت /-n/ نمود پیدا می‌کند. مثال‌های (۱۱) هر دو مورد را نشان می‌دهند. همچنین، مثال (۱۱D) نشان می‌دهد که /-en/ یا /-n/ نشانهٔ مفعولی است و به همراه فاعل به کار نمی‌رود.

(11) A. ketaw -en bɪyar.

بیاور نشانه مفعول کتاب

کتاب را بیاور.

B. piya -n de xew bi:yar kerdi!

کردی بیدار خواب از نشانه مفعول مرد

مرد را از خواب بیدار کردی.

C. meli:tʃæk -en perni.

پرانید نشانه مفعول گنجشک

گنجشک را پرانید.

D. *meli:tʃæk -en peres.

پرید نشانه مفعول گنجشک

گنجشک پرید.

تکواژ /-n/ می‌تواند همراه ضمائر فاعلی آمده و آن‌ها را به ضمیر مفعولی تبدیل کند. از منظر واجی /-

n/ زمانی ظاهر می‌شود که ستاک با یک واکه پایان یابد. جدول (۲) ضمائر فاعلی و مفعولی را در گویش

لری نشان می‌دهد.

جدول ۲. ضمائر فاعلی و مفعولی در گویش بالاگریوه

مفعولی	فاعلی	
me-n	me	اول شخص مفرد
tø-n	tø	دوم شخص مفرد
u:-n	u:	سوم شخص مفرد
ima-n	ima	اول شخص جمع
fema-n	fema	دوم شخص جمع
u:nʊ-n	u:nʊ	سوم شخص جمع

نشانه مفعول بعد از صفات ملکی مفرد به کار نمی‌رود و ظاهر شدن این تکواژ باعث غیردستوری-

شدن جمله می‌شود. این مورد در مثال‌های (۱۲) قابل مشاهده است

(12) A. rew ketaw -eʃ si-f biyar.

بیاور برایش -ش کتاب برو

برو کتابش را برایش بیاور.

B. maʃi:n -eʃ bõrd -e ser kar.

کار سر است برده -ش ماشین

ماشینش را به محل کار برده است .

C. *maʃi:n-eʃ-en bõrd -e ser kar.

جالب این که وقتی هم صورت جمع و هم صفت ملکی باشد، آنگاه تکواژ مفعولی به صورت /-n/ ظاهر می‌شود. همچنین، اگر مفعول جمله جمع بسته شود آنگاه نشانه مفعولی نیز ظاهر می‌شود.

(13) A. pi:l -ef døzi:n.

دزدیدند - ش پول

پولش را دزدیدند.

B. *pi:l-ef-en døzi:n.

C. pi:l-ya-f-en døzi:n.

پولهایش را دزدیدند.

D. pi:l -fʊ -n døzi:n.

دزدیدند نشانه مفعول -یشان پول

پولشان را دزدیدند.

E. pi:l -ya - fʊ -n døzi:n.

دزدیدند نشانه مفعول ایشان ها پول

پولهایشان را دزدیدند.

صفات ملکی به همراه نشانه مفعولی در جدول (۳) آمده‌اند. در این جدول می‌توان صورت‌های مفرد و جمع و ضمائر ملکی را مشاهده کرد.

جدول ۳. صورت‌های ملکی به همراه نشانه مفعولی

تکواژ وابسته ملکی در ترکیب با medad	تکواژ آزاد ملکی در ترکیب با medad	
medad-em/*medad-em-en	medad men	اول شخص مفرد
medad-et/ *medad-et-en	medad tøn	دوم شخص مفرد
medad-ef/ *medad-ef-en	medad u:n	سوم شخص مفرد
medad-mon	medad iman	اول شخص جمع
medad-tøn	medad feman	دوم شخص جمع
medad-fʊn	medad u:nøn	سوم شخص جمع

۴-۳ حرف تعریف

۴-۳-۱ حرف تعریف نکره

در گویش لری حرف تعریف نکره را با استفاده از تکواژ /I/ می‌سازند. عنصر نکره می‌تواند به انتهای اسم یا واژه‌هایی که اسم را مشخص می‌کنند متصل شود. در این مورد شبیه /-ی/ نکره در فارسی عمل می‌کند با این تفاوت که در گویش لری بالاگریوه تلفظ متفاوتی دارد و به صورت کوتاه تلفظ می‌شود.

(14) A. xodkar - i xari:m.

خریدم نکره خود کار

خودکاری خریدم .

B. xodkar xu -i xari:m.

خریدم نکره خوب خود کار

خودکار خوبی خریدم.

C. ʔæ si: tʃi xodkar sewz -3: eʃges -3: geron-i xæri:di:e

خریده‌های نکره گران نکره شکسته نکره سبز خود کار چه برای پس

پس چرا خود کار سبز شکسته گرانی خریدهای؟

همان‌طور که در مثال (۱۴C) مشاهده می‌شود هر گاه صفتی به اسم افزوده شود در برخی از موارد صورت نکره به شکل تکواژ /3:/ ظاهر می‌شود. همچنین، در مثال‌های (۱۴B,C) صفت پایانی به همراه تکواژ /-I/ آمده است، اما سؤال این است که آیا می‌توان هر کدام از این تکواژها را با دیگری جایگزین کرد یا خیر. در مثال‌های (۱۵) این مورد بررسی شده است.

(15) A. xodkar xu -i/3: xari:m.

B. ʔæ si: tʃi xodkar sewz-3:/*I eʃges-3:/*I geron-i/3: xæri:di:e?

C. ʔæ si: tʃi xodkar geron-3:/*I eʃges-3:/*I sewz-i/3: xæri:di:e

همان‌طور که از مثال‌های (۱۵) مشهود است، اگر همراه اسم فقط یک صفت آمده باشد، همراه آن صفت یا /I/ یا /3:/ به کار می‌رود. اگر همراه اسم بیش از یک صفت آمده باشد آنگاه همه صفات علامت نکره دریافت می‌کنند، با این تفاوت که انتخاب تکواژ /I/ یا /3:/ فقط برای صفت پایانی اختیاری است و صفات دیگر همگی /3:/ دریافت می‌کنند. به علاوه باید دقت داشت که در حالی که /I/ هم همراه اسم و هم همراه صفت پایانی به کار می‌رود، /3:/ فقط همراه صفت‌ها به کار رفته و همراه اسم، ساختاری غیردستوری به دست خواهد داد.

(16) A. xodkar-1/* 3: xari:m.

B. qela -1/*3: neʃese ser deræxt

درخت بر روی نشسته نکره کلاغ

کلاغی بر روی (شاخه‌های) درخت نشسته است.

اما این قانون یک استثنا هم دارد و آن زمانی است که اسم به /e/ ختم شود، در آن حالت /e/ پایانی در 3: ادغام شده و همراه تکواژ غیر دستوری خواهد بود. در این مورد، اگر واژه‌های ما dzome (پیراهن، جامه) pasare (ستاره) باشند، آنگاه صورت نکره آن‌ها را می‌توان در مثال‌های (۱۷) یافت.

(17) A. dzome - 3:/*1 si:t awerdme

آوردهام برایت نکره جامه

جامه‌ای برایت آورده‌ام.

B. pasar -3:/*1 dzorese

سوخته و فرو افتاده است نکره ستاره

ستاره‌های (شهاب سنگی) ذوب شده و فرو افتاده است

گاهی تکواژ نکره ممکن است به همراه تکواژ جمع به کار رود، در این حالت همگی کلمات، از جمله آن‌هایی که به /e/ ختم می‌شدند، به همراه تکواژ نکره /1/ به کار می‌روند.

(18) A. tʃi: -ja - 1 si:t awerdme ʃayæt xofet bra

بیاید خوشت شاید آوردهام برایت نکره‌ها چیز

چیزهایی (لوازمی) برایت آورده‌ام که شاید خوشت بیاید.

B. deræxt -ja -1 ke tʃøkni:di:e han kodʒa

کجا هستند کاشته‌ای که نکره‌ها درخت

درخت‌هایی که کاشته‌ای کجا هستند؟

در جملات مرکب نشانهٔ مفعولی به صورت اختیاری می‌تواند قبل از /ke/ به کار رود، اما در جملات ساده به کار نمی‌رود. باید دقت داشت که گاهی ممکن است نشانه /ke/ در جملات مرکب حذف شود، اما نشانهٔ مفعولی پس از عنصر نکره باقی مانده باشد. این موارد را در مثال (۱۹) می‌توان ملاحظه کرد.

(19) ʔæks -1 -n niami: zɪr tæxt i:se niseʃ

نیستش اکنون تخت زیر گذاشته بودم نشانه مفعول نکره عکس

عکسی را که زیر تخت گذاشته بودم الان نیست.

در نهایت، اینکه گاهی برای تأکید ممکن است تکواژ ʔe به معنای "یک" هم در ابتدای عبارت ظاهر شود. در این حالت، اسم به صورت مفرد یا جمع به کار می‌رود. این بدان معناست که /je/ در معنای نکره

معنای مفرد بودن خود را از دست داده و فقط بیانگر نکره است. این مورد را در مثال‌های (۲۰) می‌توان یافت.

(20) A. je gu:fi: -i xæri:me bi:ni xu:e?

خوبه بیین خریدم نکره گوشه یک

یک گوشه (ای) خریدم بیین خوبه؟

B. samsong je gu:fi: -ja -i saxte ke næu.

نگو که ساخته نکره ها گوشه یک سامسونگ

سامسونگ گوشه‌هایی ساخته که نگو.

C. *je gu:fi: -ja xæri:m.

خریدم ها گوشه یک

مثال (۲۰C) نشان می‌دهد که «je» در گویش لری بالاگریوه به معنای «یک» هم به کار می‌رود و ساختار

آن با «je» نکره متفاوت است و در حالت نکره ربطی به شمار «یک» ندارد، این در حالی است که در زبان‌های

دیگر از جمله زبان انگلیسی حرف تعریف نکره هم‌زمان بیانگر شمار هم می‌باشد.

۴-۳-۲ حرف تعریف معرفه

حرف تعریف معرفه را در گویش لری بالاگریوه با استفاده از تکواژ /-ke/ نشان می‌دهند. این تکواژ

به اسم چسبیده و منظور اسم یا شیء خاصی است که گوینده و شنونده از قبل در مورد آن دانش

مشترک دارند و آن یا آنها برایشان قابل تشخیص است.

(21) A. ki:f -ke ræng -ej sewz bi:?

بود سبز ش-رنگ معرفه کیف

رنگ کیف سبز بود؟

B. ze -ke hısae dæm der.

در جلوی ایستاده معرفه زن

خانم جلوی در ایستاده است.

در مثال (۲۱A) گوینده و شنونده در مورد کیفی صحبت می‌کنند که از قبل آن را می‌شناسند و در مثال

(۲۱B) گوینده و شنونده به دانش قبلی خود در مورد خانمی خاص رجوع کرده و بنابراین هر دو آن را

می‌توانند تشخیص دهند. در مثال‌های (۲۲) جملات معادل در زبان فارسی را می‌توان با /e/ بیان کرد با این

تفاوت که این ساختار در زبان فارسی فقط به همراه اسامی مفرد به کار می‌رود و در حالت جمع برای بیان

معرفه هیچ علامتی وجود ندارد. در گویش لری بالاگریوه می‌توان از تکواژ /ke/ برای بیان اسامی معرفه جمع

نیز استفاده کرد.

(22) A. ræng ki:f -ja: -ke sewz bi:?

بود سبز معرفه‌ها کیف رنگ

رنگ کیف‌ها سبز بود؟

B. zen -on -ke hisane dæm der

در جلوی ایستاده‌اند معرفه‌ها زن

زن‌ها جلوی در ایستاده‌اند.

حرف تعریف معرفه ke گاهی با تکواژ مفعولی /en/ یا /n/ ترکیب می‌شود و به صورت /ken/ درمی‌آید. در این حالت /ken/ به صورت یک واژه‌بست به انتهای اسم یا صفت متصل می‌شود و اشیایی را دربرمی‌گیرد که در جایگاه مفعول قرار گرفته و از قبل برای گوینده و شنونده آشنا هستند.

(23) A. rew qarež -ke -n bijar

بیاور نشانه مفعول معرفه کاغذ برو

برو کاغذ را بیاور.

B. dzome -ja -ke -n si:f bæur

ببر برایش نشانه مفعول نشانه معرفه‌ها جامه

جامه‌ها را برایش ببر.

اما ترکیب‌های حرف تعریف در گویش لری به همین جا ختم نشده و گاهی به همراه ضمائر ملکی نیز به کار می‌رود. هر گاه ضمیر ملکی به حرف تعریف معرفه متصل می‌شود، حرف تعریف را از صورت /ke/ به /kæ/ تبدیل می‌کند. این بدان معنا است که حرف تعریف /ke/ هم دارای تکواژ گونه است.

(24) A. gol -ya -f -en si:f bæur,

ببر برایش نشانه مفعول - ش‌ها گل

گل‌هایش را برایش ببر.

B. gol -ya -kæ -f -en bæur si:f.

برایش ب ب ر مفعول - ش معرفه‌ها گل

گل‌هایش را برایش ببر

همان‌طور که مشاهده می‌شود در مثال‌های (۲۴) هر دو جمله به یک شکل ترجمه شده‌اند و دلیل آن عدم وجود حرف تعریف معرفه جمع در زبان فارسی است. فرق مثال‌های (۲۴) در این است که گوینده و شنونده در مورد (۲۴B) از قبل آگاهی کاملی از گل‌ها دارند و در واقع به گل‌هایی اشاره می‌کنند که قبلاً هر دوی آن‌ها در مورد آن دانش مشترک دارند. این در حالی است که در مثال (۲۴A) در مورد این دانش قبلی نمی‌توان با قطعیت صحبت کرد؛ به عبارت دیگر، دریافت‌کننده گل‌ها ممکن است از ماهیت گل‌ها اطلاع نداشته باشد همانند حرف تعریف نکره، حرف تعریف معرفه هم رفتار متفاوتی نسبت به صفات دارد همان‌طور

که در مورد نکره آمده، به همراه صفاتی که با اسم نکره بهکار رفته‌اند به کار می‌رود و صفت پایانی، به شرطی که به e ختم نشده باشد، به شکل اختیاری از بین /I/ یا /3:/ یکی را انتخاب می‌کند. در مورد معرفه هم صفاتی که همراه اسم معرفه به کار می‌روند با استفاده از عنصر معرفه ساز /e/ معرفه می‌شوند.

(25) A. maʃi:n -ke mæne ser ki:tʃe.

کوچه سر مانده معرفه ماشین

ماشین سر کوچه منتظر مانده است.

B. maʃi: sɔr -e -ke mæne ser ki:tʃe.

کوچه سر مانده معرفه معرفه سرخ ماشین

ماشین قرمز سر کوچه منتظر مانده است.

C. maʃi: sɔr -e mæne ser ki:tʃe.

کوچه سر مانده معرفه قرمز ماشین

ماشین قرمز سر کوچه منتظر مانده است.

D. maʃi: sɔr -e qeʃæŋg -e mæne ser ki:tʃe

کوچه سر مانده معرفه قشنگ معرفه سرخ ماشین

ماشین قرمز قشنگ سر کوچه منتظر مانده است

به این ترتیب، در حالت اسمی فقط ke نشانهٔ معرفه است ولی وقتی صفتی افزوده می‌شود صفت‌ها همراه e به کار می‌روند و به صفت پایانی ممکن است ke افزوده شود یا نشود. نکته دیگر اینکه، کاربرد صفات هنگامی که فقط e هست با زمانی که ke هم وجود دارد از نظر معنایی تفاوت دارد. در مثال (۲۵B) عبارت maʃi: sɔr-e-ke به ماشین قرمزی بازمی‌گردد که گوینده و شنونده آن را از قبل می‌شناسند و به راحتی برایشان قابل شناسایی است. در 25C) (maʃi: sɔr-e) ماشین قرمزی است که گوینده و شنونده در حال حاضر با آن آشنا شده‌اند یا در حال آشنایی با آن هستند. در مکالمه (۲۶) در پاسخ به «کدام ماشین» شخص به رویدادی اشاره می‌کند که باعث آشنایی آن‌ها با ماشین قرمز شده است.

(26) A: hi maʃi: sɔr-(e)-ke ni

نیست قرمز ماشین این

این (همون) ماشین قرمز نیست؟

B. komi:maʃi: sɔr-e-ke?

قرمز ماشین کدام

کدام ماشین قرمز؟

A: məfɪ:n-ke ke zæ mɪn æli:reza

علیرضا توی زد که ماشین

ماشین که به (ماشین) علیرضا زد.

حال آن که در مکالمه (۲۷) و زمانی که پسوند ke به کار نرفته گویشور در پاسخ فرض را بر این می‌گیرد که شنونده ماشین مورد نظر را هنوز ندیده یعنی هنوز در مرحله اول شناخت قرار دارد. به عبارت دیگر، اول باید از لحاظ فیزیکی آن را درک کند و بشناسد تا بعد بتواند از لحاظ پیشینه تاریخی مشترک بین دو گویشور آن را به رویدادی خاص نسبت دهد. شاید به همین دلیل باشد که در جمله یا فقط /e/ به کار می‌رود یا هر دو با هم به کار می‌روند؛ زیرا وجود یکی جای خالی دیگری را پر نمی‌کند.

(27) A: hɪ məfɪ: sɔr-(e)-ke nɪ

نیست قرمز ماشین این

این (همون) ماشین قرمز نیست؟

B: komi: məfɪ: sɔr-e?

کدام ماشین قرمز؟

A: ʊ hone ke ha ver dɔkʊn fəməmed

شاهمحمد دکان جلوی هست که آن اشاره

همان که جلوی دکان شاهمحمد هست (گوینده به ماشین اشاره می‌کند).

همچنین، همان‌طور که قبلاً گفته شد، نکره با استفاده از / 3:/ / معرفه با استفاده از e بیان می‌شود. برای نشان دادن تفاوت بین آن‌ها می‌توان məfɪ: sɔre را به همراه اسامی اشاره به کار برد، در حالی که məfɪ: sɔr3 که نکره است به همراه اسامی اشاره کاربرد ندارد.

(28) A. se o məfɪ: sɔr-e.

قرمز ماشین آن بین

نگاه اون ماشین قرمز.

B. *se o məfɪ: sɔr-3:!

در نهایت تطابق این (hɪne, hɪ, ɪ) و آن (hone, ho, o) را با هر یک از صورت‌های معرفه و نکره بررسی می‌کنیم. از آنجا که صورت‌های hɪne, hɪ و hone, ho به صورت ضمیر اشاره‌ای به کار می‌روند، فقط دو صفت اشاره‌ای (o و ɪ) را در این قسمت بررسی می‌کنیم.

(29) A. *o/ɪ məfɪ:n-ɪ

B. *o/ɪ məfɪ:n-ke

C. o/i maʃi:

در مثال‌های (۲۹) صفات اشاره نه در حالت معرفه به کار می‌روند و نه نکره بلکه فقط زمانی به کار می‌روند که یا بدون علامت ظاهر شده باشند و یا اینکه عنصر معرفه به صفت چسبیده باشد. (مثال ۲۸A) «ماشین» در مثال (۲۹C) به دلیل کاربرد با صفات اشاره معرفه شده ولی گاهی اسامی بدون علامت به عنوان اسم جنس به کار می‌روند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۴-۳-۳- اسم جنس

اسم جنس به اسمی بازمی‌گردد که به طبقه‌ای خاص اشاره می‌کند. اسم جنس در زبان‌های مختلف معمولاً بدون هیچ نشانه‌ای به کار می‌رود. در زبان فارسی نیز اسم جنس بدون هیچ وابسته‌ای به کار می‌رود، اما گاهی هم به صورت جمع هم به کار می‌روند (راسخ‌مهند، ۱۳۸۸). مثال‌های زیر را راسخ-مهند ارائه داده تا نشان دهد که صورت اسمی بدون علامت یا به همراه تکواژ جمع ممکن است در نقش اسم جنس ظاهر شود.

(۳۰) الف. آب مایع حیات است.

ب. اسب حیوان نجیبی است.

پ. مارها خزننده هستند.

وی، همچنین، ابراز کرده که اسم در صورتی که به همراه حرف تعریف معرفه یا نکره به کار رود دیگر نمی‌توان آن را اسم جنس در نظر گرفت. در گویش لری بالاگریوه همانند فارسی اسم جنس بدون هیچ علامتی به کار می‌رود و گاهی ممکن است اسم جمع در نقش اسم جنس ظهور یابد.

(31) A. mar tʃi: sæxt-y -e

است سختی چیز مار

مار حیوان سرسختی است.

B. mar-ya sæmi: -en.

هستند سمی مارها

مارها سمی هستند.

راسخ‌مهند (۱۳۸۸) بیان کرده است که در زبان فارسی تفاوتی بین اسم جنس مفرد و اسم جنس جمع وجود دارد. برای نمونه، به اسم جنس مرکب اشاره کرده و می‌گوید در حالت مرکب فقط می‌توان از اسم جنس بدون نشانه استفاده کرد؛ در این حالت کتابخانه گفته می‌شود ولی «*کتابخانه» درست نیست. وی،

همچنین، نشان داده است که هر گاه در جمله فعل ربطی باشد، اسم جنس بدون نشانه به کار می‌رود؛ به این ترتیب، در جمله «رضا دانشجو است»، نمی‌توان «دانشجو» را به صورت جمع به کار برد.

۵. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به توصیف تکواژ جمع، نشانه مفعولی و حرف تعریف در گویش لری بالاگریوه پرداختیم و برخی از ویژگی‌های این سه تکواژ را بررسی کردیم. اگر تکواژ جمع در گویش لری بالاگریوه را با فارسی مقایسه کنیم به دو نند صرفی مشابه برمیخوریم. پسوند تصریفی *-ya* در لری بالاگریوه همانند پسوند *-ha* در زبان فارسی است و به هر اسمی متصل میشود و از لحاظ آوایی هم مشابه آن است. همچنین، پسوند *o* که در حالت ترکیبی به *Un* تبدیل میشود نتیجه تبدیل آوایی *an* به *Un* و در نهایت حذف */n/* در این گویش می‌باشد. همانند فارسی پسوند */U/* تنها همراه جانداران به کار می‌رود. نشانه مفعولی *-en* و *-n* در لری بالاگریوه برخلاف «را» در زبان فارسی به صورت واژه‌بست ظاهر میشود. این واژه‌بستها بر خلاف «را» در زبان فارسی که معانی متفاوتی را ممکن است با خود به همراه داشته باشد (دبیرمقدم، ۱۳۶۹) به طور خاص تری نشانگر مفعول هستند و چندان ارتباطی به مقولاتی همچون معرفه و نکره ندارند، چنانچه در لری بالاگریوه گاهی ممکن است نشانگر مفعولی همراه عنصر نکره ساختار (*ketow-in* کتابی را) را بسازد که البته به نظر می‌رسد مشابه فارسی هم هست و در مواردی ربطی به معرفه بودن ندارد. پسوند *-en/* در گویش بالاگریوه برخلاف «را» در فارسی به همراه صفات ملکی در حالت مفرد به کار نمی‌رود ولی در حالت جمع به کار می‌رود. نکره در گویش لری بالاگریوه با *I* بیان می‌شود و با وجود تفاوت تلفظی با *-i* نکره در زبان فارسی کاربردهای آن تقریباً مشابه است. کاربرد */3/* در لری بالاگریوه به همراه صفات از ویژگی‌های عنصر نکره در لری بالاگریوه است. عنصر معرفه هم اگر به صورت *-ke* نمایان شود بیانگر دانش مشترکی است که گویشوران از یک اسم خاص در ذهن دارند و آنها از قبل از این پدیده‌ی به خصوص آگاهی یافته‌اند. هنگامی در ترکیب‌ها به صفت عنصر معرفه */-e/* متصل می‌شود بیانگر آشنایی فیزیکی با پدیده‌های خاص در زمان کنونی است و نه دانش مشترک تاریخی در مورد پدیده‌های خاص.

منابع فارسی

- امان الهی بهاروند، سکندر (۱۳۹۳). قوم لر (پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکنندگی جغرافیایی لرها در ایران). تهران: انتشارات آگاه.
- انوری و گیوی (۱۳۹۵). دستور زبان فارسی (ویراست چهارم). تهران: انتشارات فاطمی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۹). «پیرامون «را» در زبان فارسی». *زبان‌شناسی*، ۷(۱)، ۶۰-۱
- درزی، علی و آرزو معظمی (۱۳۸۵). «تکواژ جمع در زبان فارسی». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)*، ۵۷(۲)، ۷۷-۹۵
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۸). «معرفه و نکره در زبان فارسی». *دستور*، شماره ۵، ۱۰۳-۸۱
- سلیمانی، آرزو (۱۳۹۱). توصیف فرایندهای واجی گویش بالاگریوه: رویکرد بهینگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سلیمانی، آرزو و فریده حقیین (۱۳۹۵). *زمان دستوری و نمود در گویش لری بالاگریوه. جستارهای زبانی*، ۲(۷)، ۲۴۵-۲۶۲
- عبدالمالکی، حسین (۱۳۸۵). «واژه‌بست تصغیر و معرفه در زبان فارسی». *زبان‌شناسی*، شماره ۴۱ و ۴۲، ۱۰۵-۹۷
- قطره، فریا (۱۳۸۶). «مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی امروز». *دستور*، شماره ۳، ۸۱-۵۲
- کامبوزیا، عالیه، اردشیر ملکی مقدم و آرزو سلیمانی (۱۳۹۲). «مقایسه فرآیندهای واجی همخوان‌های گویش لری بالاگریوه با فارسی معیار». *جستارهای زبانی*، ۴(۱)، ۱۷۹-۱۵۱
- محمد ابراهیمی، زینب و پروین عبدی (۱۳۹۱). «توصیف گروه‌های اسمی در گویش لری خرماآبادی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، شماره ۶، ۹۶-۸۱
- نجفوند دریکوندی، محمدرضا (۱۳۹۲). *توصیف ساختمان فعل در گونه‌ی بالاگریوه از گویش لری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس

References

- Comrie, B. (1989). *Language universals and linguistic typology: Syntax and morphology*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Fuji, N. & T. Ono (2000). "The occurrence and non-occurrence of the Japanese direct object marker 'o' in conversation". *Studies in Language*, 24 (1), 1 – 39.
- Haspelmath, M. (2002). *Understanding morphology*. Oxford: Oxford University

- Press.
- Heim, I. (1983). File change semantics and the familiarity theory of definiteness. In R. Bäuerle, C. Shawarze and A. von Stechow (eds.), *meaning, use and interpretation of language* (pp. 164-189). Berlin: Walter de Gruyter.
- Hosseini Fatemi, M. (2014). "The semantics of the Persian object marker –râ". *McGill Working Papers in Linguistics*, 24 (1), pp. 54-63.
- Lazard, G. (1992). *A grammar of contemporary Persian: English Translation*. Costa Meca, CA: Mazda Publishers.
- Lyons, C. (2003). *Definiteness*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mahootian, S. & L. Gebhardt (1997). *Persian: Descriptive grammars*. London and New York: Routledge.
- Smith, C.S. (1964). "Determiners and relative clauses in a generative grammar of English". *Language* 40 (1), pp. 37-52.
- Tallerman, M. (2015). *Understanding syntax (Third Edition)*. London: Hodder Education.
- Taylor, J.R. (2003). *Cognitive grammar*. Oxford: Oxford University Press.